

باسمه تعالی

دروس عرفان در وادی عمل، استاد یزدان‌پناه – جلسه اول

سطوح بحث درباره علم عرفان عملی

در باب علم عرفان عملی مناسب است در سه سطح بحث داشته باشیم: یکی قبل از منازل کتابی لازم است (بعضی از دوستان الان دارند تلاش میکنند آن را فراهم بیاورند) که به کلیاتی پردازد که حال و هوای علم عرفان عملی را منتقل کند. یکی هم خود کتاب منازل السائرین و یکی هم سطح بالاتر از کتاب منازل که فضای اجتهادی این رشته را تأمین کند که عملاً وجود ندارد و نداشت.

باید این رشته‌ها از این غربت در بیایند. ما به لحاظ کار متن دینی هم به این علوم نیاز داریم. طلبه باید دسته‌ای از این علوم را به قوت بخواند و به حدی از قوت برسد که بتواند اسرار را حل کند؛ در هر بخشی از بخش‌های متون دینی که نیازمند بدان است. حتی طلبه باید بخش‌هایی از اندیشه‌های علوم جدیدی را که به درد متن دینی می‌خورد، در حد نیاز بداند. هر بخشی را که در دین هست و مورد بررسی قرار گرفته، باید به شکل اجتهادی بررسی کنیم، به ویژه آن جاهایی که دین خیلی حرف زده و خیلی بیان دارد، همت اصلی‌اش هست و بر آنها تأکید کرده است، آنها را حتماً باید کار کنیم. اگر طلبه بخواهد متون دینی را بفهمد و کار بکند، ناگزیر باید درس علم عرفان عملی به سطوح متعددش ترسیم و تصویر شود و انجام شود و کسانی باید باشند که دنبالش را بگیرند. پس حتماً باید بعد از منازل السائرین هم کتاب دیگری پدید بیاید به روال کتابهای حوزوی که سطح بالایی از بحثهای علم عرفان عملی را مد نظر داشته باشد، مقارنه‌های تاریخی‌اش خوب باشد و کارهای اجتهادی هر باب و مقامش خوب باشد، دسته بندی‌های کلانش حساب شده باشد و به طور کلی قابل عرضه باشد و این کار باید انجام بشود.

این کار باید در درس منازل انجام می‌شد. ما یک بخشی از کار را که همان اصل منازل بود، گفتیم. قبلی‌هایش را مقداری با مقدماتی که چیدیم فی الجمله زمینه‌هایش را فراهم کردیم (که الحمدلله دوستان دارند ادامه می‌دهند) برای بعد از منازل هم باید بعداً فکری بشود.

ما در درس منازل بعضی از کارها را نتوانستیم انجام دهیم که برای خود دلایلی داشت و محدودیت‌های خاصی داشتیم که نمی‌شد. چون فقط یک کتاب منازل [در عرفان عملی] داریم و همه کار را همانجا باید انجام

داد، بحث‌های اجتهادی تک تک منازل و بحث‌های اجتهادی تطبیق با متون دینی به شکل مفصل انجام نشد؛ فرصت نبود.

بخشی از این بحث‌ها را امیدواریم در این جلساتی که خواهیم داشت و هیچ محدودیتی و منعی نداریم (که عرض خواهم کرد) وارد بشویم. این چیزی بود که در باب منازل در سال گذشته بود.

محدودیت‌ها در درس منازل

در کار منازل در سال گذشته با محدودیت‌هایی روبرو بودیم. اولش محدودیت وقتی بود. هفته‌ای دو یا سه جلسه به جایی نمی‌رسد و نمی‌شد. باید به سرعت تمام می‌شد. همین موجب برخی از عجله‌ها می‌شد که طبیعی هم بود و باید عجله می‌کردیم. البته آن‌گونه هم عجله نکردیم که متن صاف نشود و مطلب درست نشود و فضا درست نشود، ولی باز انسان توقع بیشتری داشت. چون اولین و آخرین کتاب است، انسان می‌خواهد همه‌اش را همانجا تمام کند و الا مطابق آن دسته بندی سه‌سطحی که گفته شد، فقط کافی است منازل در حد خودش خوب خوانده بشود و کارهای دیگر احتیاجی نیست. بعدش اگر سطح بالاتری وجود داشت، هیچ اشکالی نداشت و کار انجام شده بود. پس محدودیت اول، محدودیت وقتی بود.

محدودیت دوم، محدودیت متنی بود که نمی‌توانستیم از متن زیاد فاصله بگیریم. مثلاً عملاً نمی‌شد که سه ماه متن را تعطیل کنیم و توضیح از بیرون داشته باشیم.

محدودیت سوم، محدودیت موضوعی است و آن اینکه منازل فقط در وادی عرفان عملی بود ولی ما معتقدیم آنچه که عرفا در وادی عمل گفته‌اند خیلی گسترده‌تر از آن بحث‌های سیر و سلوکی است. بخشی از کارهای ایشان بحث‌های سیر و سلوکی است که وجود دارد و الان کتابهایش هست. ولی کارهای دیگری هم هست و کتابهایش هم وجود دارد، اما ما عملاً نمی‌توانستیم در آن وارد شویم. مثلاً نمی‌توانستیم مفصل به بحث‌هایی بپردازیم که اصلاً در سیر و سلوک زیاد بدان توجه نمی‌کنند. مثلاً بحث حقیقت گناه و اینکه گناه به لحاظ سیر و سلوکی چه اثری دارد و چه تلقی‌ای عرفا از گناه دارند و این تلقی در متن دینی چگونه آمده است. و این گونه مباحث که اصلاً نمی‌شد در بحث منازل السائرین مطرح کرد. یا بحث نفس اماره که می‌شد در منازل به تفصیل ایستاد و بحث کرد. درست است که منازل در مراحل آغازینش اشاراتی به نفس اماره و گذر از نفس اماره دارد، ولی بحث مفصل نداشت و ما محدودیت داشتیم و نمی‌توانستیم مفصل بحث کنیم. بحث قلب و

حقیقت قلب که در قرآن آمده و در بیانات عرفا آمده است. بحث حقیقت انسان که یکی از مبانی انسان شناختی جدی است و هم به درد عرفان در وادی عمل و هم خیلی جاهای دیگر می خورد. و خیلی بحث های دیگر که ما به دلیل محدودیت موضوعی نمی توانستیم در آنها وارد شویم. نیز به دستورالعمل ها نمی توانستیم وارد شویم. و خیلی بحث های دیگر که نمی توانستیم وارد شویم؛ زیرا آن متن، مخصوص علم عرفان عملی بود و قرار نشده بود همه آنچه را که در وادی عمل هست بررسی کند.

آنچه در این جلسات قرار است انجام شود (گستره بحث ها در وادی عمل)

اما در بحثی که اکنون وارد می شویم و آغاز می کنیم این محدودیت ها وجود ندارد. این جلسه که اولین بحث است، فقط می خواهیم توضیح بدهیم که چه کاری می خواهیم انجام دهیم.

آنچه که می خواهیم انجام دهیم این است: چون متنی را پیش روی خود نداریم، محدودیت نداریم و هرچه که خواستیم تحقیق هم بکنیم منعی نیست، ولو مثلا سه ماه بر روی یک بحث بایستیم.

در این بحث ها عمدتاً به شکل عرفان در وادی عمل می خواهیم نگاه کنیم و بحث ما فقط علم عرفان عملی نیست. گستره بحث ما: هر آنچه که در وادی عمل گفته اند. و این نوع بحث اتفاقاً از جهاتی مفید است در عین اینکه علم عرفان عملی هم باید باشد که ما خواندیم.

تربیت عرفانی

مثلاً تربیت عرفانی و شیوه های آن که بحثی جدی است. چه شیوه هایی را اعمال می کنند و چه دستورهایی را می دهند.

اخلاق عرفانی

یا بحث اخلاق عرفانی. اگر فرصتی پیدا شود این موضوع هم چیز خوبی است که بدان بپردازیم. اکنون اخلاق فلسفی که داریم و وجود دارد. اخلاق عرفانی که حتی لابلای اخلاق فلسفی هم رفته، لابلای اخلاق دینی ای هم که بعضی ها می گفته اند، رفته است. لابلای سخنان عرفا به عنوان اخلاق دینی هم آمده است. اما به صورت علم اخلاق عرفانی باید مطرح شود که اندیشه اش و مبانی اش و کیفیت کارشان گفته شود و بعضی از آثار پدید آمده را هم طرح کنیم و کمی کار کنیم و عده ای کار کنند و این اصلاً بشود یک علم و ارائه شود. و

چنانکه اخلاق فلسفی داریم و کتاب‌هایی در آن زمینه، اخلاق عرفانی هم با کتاب‌هایی داشته باشیم با همان طول و تفصیل. این کار باید انجام شود. با همان عنوان اخلاق و دغدغه اخلاقی با عنوان فضیلت و رذیلت. مبانی آن، نوع نگاه آن، باید طرح شود تا ما بتوانیم به سرعت بگوییم که ۸۰ درصد آنچه که در اخلاق فلسفی گذشته، اصلاً اخلاق ایده‌آل و اخلاق برتر نیست. باید کار کرد و این را نشان داد. باید نشان داد نوع نگاهی را که عرفا دارند. چه هویتی باعث می‌شود که اخلاقی بشود اخلاق عرفانی و مبانی آن و ... هر چه که هست. همین بحث را اگر بخواهیم، باید حداقل یکی دو سال هفته‌ای دو جلسه‌ای رویش بایستیم. اکنون قصدمان ورود در بحث نیست، فقط می‌خواهیم بگوییم که اینها وادی‌هایی است که می‌شود در آن کار کرد. اگر ما در مورد این وادی‌ها یک بار کار کنیم و اندیشه را عرضه کنیم و طرح منسجمی بدان بدهیم، بعداً می‌تواند زمینه خیلی از کارهای بعدی خیلی از آقایان بشود.

ما به این بحث‌ها نیاز داریم. اصلاً عمده آنچه که در دین به عنوان آموزه‌های برتر و ایده‌آل گذشته، آموزه‌های اخلاق عرفانی است و چون این کار انجام نشده، آن آموزه‌های دینی روی زمین مانده است. البته در جای خود باید توضیح دهیم که اخلاق دینی آنقدر گسترده است که اخلاق عرفانی و سطوح پایین‌تر آن را هم شامل می‌شود که برای خود توضیحاتی دارد. لذا ما به بحث اخلاق عرفانی نیاز داریم و چیزی نیست که بشود از آن گذشت. اگر چنین کاری انجام شود، طلبه وقتی می‌خواهد مباحث اخلاقی را بشنود، این سبک را هم بشنود. ما در حوزه‌ها داشته‌ایم یک دسته از کسانی را که اخلاق عرفانی می‌گفته‌اند. در عین اینکه گاه می‌رفت از دستگاه اخلاق ارسطویی هم استفاده می‌کرد اما بار اصلی کار روی اخلاق عرفانی بود.

اما الان متأسفانه در مورد اخلاق عرفانی نه اندیشه‌اش گفته شده و نه طرح اولیه‌اش (که طرح اولیه‌اش باید به جد بیاید). صرف بیان دستورات سیر و سلوکی‌ای که هست و بحث‌های سیر و سلوکی و منازل را بگوییم برای اخلاق عرفانی کافی نیست و اخلاق عرفانی نیست. درست است که خیلی از مواد را بحث‌های علم عرفان عملی می‌تواند تأمین کند، اما به هر حال علم عرفان عملی، اخلاق عرفانی نیست. اخلاق عرفانی برای خودش فضای خاصی دارد که باید کار بشود. اخلاق عرفانی هم در وادی عمل است و خیلی هم موثر است و خیلی می‌تواند انسان را بشوراند، آن فضایل اخلاقی‌ای که باید انسان در خود ایجاد کند و بعد آن فضایل اخلاقی برتر که اصلاً آنها را نشنیده‌ایم؛ از بس که بحث‌های اخلاقی رسمی به مقولاتی ویژه پرداخته‌اند، یک عده‌ای از این مسائل اصلاً حذف شده و وجود ندارد، حال آنکه باید رویش کار بشود و تلاش بشود.

غرض آن است که محدوده‌ای که ما در نظر گرفته ایم، یعنی عرفان در وادی عمل، آنقدر گسترده است که شامل این گونه از حوزه‌ها هم می‌شود و باید رویش کار بشود. البته لزومی ندارد که عجلتاً هم شروع کنیم و اولین بحثمان را اخلاق عرفانی قرار بدهیم. می‌دانیم که بعضی از این کارها، طرح‌های بیست ساله است؛ اگر کسی بخواهد انجام دهد.

بحث دستورالعمل‌ها

بحثی دیگر در فضای عرفان در وادی عمل هست با عنوان دستورالعمل‌ها. ما شاء الله چقدر دستورالعمل ما از عرفا داریم. و بعد کسی بتواند ضوابط این دستورالعمل‌ها، شیوه‌هایی را که اعمال کرده‌اند، نکته‌هایی که وجود دارد، را استخراج کند، خیلی اثر گذار است. مثلاً یکی از دستورات مرحوم قاضی در مورد نماز جماعت است در مسجد، که در شریعت هم آمده است. در شریعت آمده، اما قاضی که نگاه می‌کند خیلی قشنگ است و توضیحی دارد که هیچکس چنین نگاه نکرده است: نماز جماعت برای سالک همانند آب برای ماهی است. باید همانند این نکته‌ها را حل کرد که قاضی چه دارد می‌گوید. گاهی نکته نگفته‌اند، بل دستور داده‌اند که الا و لابد باید اینگونه عمل کنید. سر این دستورالعمل‌ها چیست؟ غرض آنکه دستورالعمل‌ها هم فضای بسیار گسترده‌ای است و سخنان عرفا در این زمینه بسیار زیاد است و کمتر عارفی را دیده‌ام که از او بخواهند و ایشان دست به قلم نشود و ننویسد. مثلاً مرحوم فیض کاشانی دستورالعمل‌هایی دارد در رساله کوتاه *زاد السالک* که خیلی عالی است. چیزهایی است که برای او جلوه کرده و می‌گوید که اینها را باید اعمال کرد. قاضی هم دستوراتی دارد. از ابتدای حرکت و جریان فرهنگی عرفانی تا کنون همین روال بوده است و نمی‌توان از آن گذشت. و در آن بسیاری از اسرار آمده است که در علم عرفان عملی گفته نمی‌شود. در بحث دستورالعمل‌ها در جای خود توضیح داده‌ام که دستورالعمل‌ها غیر از خود عرفان عملی حساب می‌شود. عرفان عملی قرار است که نقشه راه را بدهد اما دستورالعمل‌ها، تکنیک‌ها و شیوه‌های کار و چفت‌وبست‌ها است. بویژه برخی از عرفا به شخص نگاه می‌کنند و خاص او دستورالعمل می‌دهند. اگر کسی این را بفهمد می‌تواند اسرار بیانات اهل بیت را که به یکی دستورالعملی و به دیگری دستور دیگری داده‌اند بفهمد.

خود دستورالعمل‌ها هم خیلی گسترده‌اند. خوب است برخی از دستورالعمل‌ها را بیاوریم و بخوانیم، برخی را توضیح بدهیم و برخی را استفاده کنیم. چرا اینها را انسان نشنود و عمل نکند؟ برخی گاه خیلی اثرگذارند. گاه انسان یک کلمه را می‌شنود و یک عمر را آباد می‌کند. همان یک کلمه را عمل می‌کند و به جایی می‌رسد و

تمام می‌شود. سرمایه غنی‌ای هست اما آن را نمی‌شورانیم. قصدم این است که کار به گونه‌ای بشود که بعداً عده‌ای اصلاً کارشان بررسی دستورالعمل‌ها بشود، به شیوه‌ها و مبانی‌ای دست پیدا کنند، به روش‌های تربیتی‌ای که در آنها اعمال شده دست پیدا کنند، به روش‌های معرفتی‌ای که عرفا در دستورالعمل‌ها اشباع می‌کنند و شخص را همراه می‌کنند، دست یابند. باید کار کرد. و بعد بگوییم کدام شیوه تربیتی درست است و کدام غلط است و تقییم کنیم. مثلاً اینکه کار نکن و کشکول دست بگیر و برو گدایی کن، آیا این دستور درست است یا نه؟ چه کسی باید اینها را بررسی و تقییم کند؟ کسی باید در این موارد نظر بدهد که اهل این رشته و مجتهد در این رشته است، نه اینکه هر کسی بیاید و بگوید به نظر من این کاری که ابراهیم ادهم کرد غلط است و دستوری که داده است، غلط است. فقط کسی که مجتهد این رشته است و مطلب و فضا را می‌فهمد و از متون دینی خوب مطلع است باید نظر بدهد.

پشت صحنه‌های احساسی منازل و مقامات

مطلب دیگری هست: بسیاری از آنچه که در وادی عمل است، یعنی بسیاری از اعمال و بسیاری از آنچه که مربوط به عمل است، از منازل و مقامات، پشت صحنه احساسی‌ای دارد. با این قبیل مباحث هم در عرفان عملی روبرو نشده‌ایم. اندکی اشاره می‌شد، اما در منازل السائرین و جاهای دیگر زیاد نیامده است. آن پشت صحنه‌های احساسی عمدتاً در عرفان ادبی منعکس شده است. مثلاً حقیقت توبه را می‌فهمیم، اما پشت صحنه حقیقت توبه را با جریان شیخ صنعان که عطار در *منطق الطیر* نقل کرده، می‌شود بازسازی کرد. تمام احساس را منتقل کرده است. می‌شود پشت صحنه را بازسازی کرد و رویش بحث کرد و طرح فنی برایش داشت و باید کار بشود. لذا تمام متون عرفان ادبی از این منظر قابل استفاده است.

لذا چنین حوزه‌هایی هنوز بکر است و باید در آنها کار کرد.

البته ما برخی از این مباحث را به شکل نمونه‌وار وارد می‌شویم و بعضی‌ها را که برایمان جدی است، به شکل جدی وارد می‌شویم. برخی را نمونه‌وار وارد می‌شویم تا کم‌کم زمینه‌ای فراهم شود و عده‌ای مشغول این کارها بشوند. دقیقه ۱۹

باید کار فنی کرد و هم گرایش عمومی مردم و هم نخبگان در آن در نظر گرفته شود. چرا اینقدر کارها ضعیف است؟ اخلاق یکی از شئون اصلی حوزه است و صاحب‌نظران زیادی باید در این زمینه در حوزه وجود

داشته باشند. باید درصد و عمق کارها در حوزه بالا برود. اکنون زمینه فراهم هست. باید عمق مباحث اخلاقی را کار کرد. نباید این گونه باشد که هر کسی به خود اجازه دهد در حوزه اخلاق قلم بزند. باید کار فنی صورت بگیرد. اخلاق هم همانند فقه، کار فنی می‌طلبد. اندیشه حضرت امام این است که اخلاق را نباید صرفاً به شکل خشک گفت، بل باید حظ و لذت معنوی هم در اثر اخلاقی موجود باشد. می‌شود این را هم در آثار اخلاقی آورد و نمی‌گوییم که این را حذف کنیم، اما باید عمق هم باشد.

به حدی این کارها نشده، که مثلاً شما نگاه کنید ذیل بحث جری [تجری] در اصول، به روایاتی که در این زمینه هست می‌رسند، نمی‌توانند از پس آنها بر بیایند. مثلاً وقتی در دل کسی چیزی خطور کرد، بالاخره خداوند عذاب می‌کند یا نه؟ مسئله چگونه است و آن خطور چه تأثیری دارد؟ مطالبی می‌گویند اما نمی‌توانند عمق آن را بیان کنند. و همین نشان می‌دهد که در این زمینه کار نشده است. اما همین مجتهد در بحث صرف و نحو، بی‌راه سخن نمی‌گوید، با اینکه صرف و نحو کار اصلی او نیست. دلیلش این است که آنها را خوب خوانده است. در آنها اگر اشتباهی هم از کسی سر بزند، کسی هست که جلویش را بگیرد و بگوید که این اشتباه است، اما در بحث اخلاقی اگر ده‌ها اشتباه هم سر بزند، کسی نیست که جلویش را بگیرد؛ زیرا کار نشده و عمق مباحث پیدا نشده است.

آیا واقعا نباید «ان تبدوا ما فی انفسکم او تخفوه یحاسبکم به الله» که در متن شریعت آمده، حل بشود؟ از طرفی شریعت گفته که حسد مادامی که تبدیل به یک نوع عکس العمل بیرونی نشده، ولو به گوشه چشم، معفو است و از سوی دیگر می‌فرماید که «یحاسبکم به الله». آیا اینها نباید جمع و جور شود و این جرح و تعدیل‌ها را نمی‌خواهد؟ اگر کار شده باشد و بحث شده باشد و همه در این زمینه‌ها کتاب خوبی بخوانند، بعداً این گونه حرف‌ها در تفسیر شریعت پیدا نمی‌شود. چرا وقتی به این نوع مباحث می‌رسیم، هر کسی به خود حق می‌دهد که هر چه از دین می‌فهمد را درست بدانند؟ اما مثلاً به بحث استصحاب که می‌رسد می‌گویند باید چند سال درس بخوانی تا چند روایت موجود درباره آن را بتوانی حل کنی. اما در اینجا اصلاً آن مقدار را لازم نمی‌دانند و همین که روایت را بخوانند و توضیح بدهند کافی می‌دانند. باید به عمق متون دینی در این زمینه رسید و باید فکری کرد. لذا باید این دسته از کارها بشود و افزوده شود.

خواستم بگویم آن احساسات پشت صحنه‌ای که در عرفان ادبی هست باید گفته شود.

بحث‌های متمایل به فضای عمل در عرفان نظری

از سوی دیگر، دسته‌ای از بحث‌ها را در عرفان نظری داریم که به شدت متمایل به فضای عمل است. باید روی این بحث‌ها هم سرمایه‌گذاری کنیم و نشان بدهیم که چطور در فضای عمل ورود پیدا می‌کنند. یک دسته از بحث‌ها که اصلاً مبانی کارهای عملی است، مانند قلب و لایه‌های طولی انسان. یک دسته از مباحث هم هست که [در وادی عمل وارد می‌شود] مانند وحدت شخصیه که به تجربه دیده‌ایم که هر کسی وحدت شخصیه را خوب حل کرده باشد، به سرعت دیده است که در نوع نگاهش به هستی و در تعاملش تغییر حاصل شده است. همین را باید توضیح بدهیم که [آموزه‌های نظری] چگونه در وادی عمل می‌آیند. و از دل همین هم دستورالعمل‌های میان‌بر بیوریم و هم توصیه‌های اخلاقی بیوریم و خیلی چیزهای دیگر که الان قصد ورود ندارم. لذا بخشی از عرفان در وادی عمل همان عرفان نظری است که باید استفاده بشود، که الان قصد ورود ندارم و الا می‌شود روی همین بحث یک جلسه ایستاد و توضیح داد. ما اینها را هم داریم که مرتبط به وادی عمل است اما عملاً در علم عرفان عملی زیاد منعکس نشده، مگر بخشی از آن را که ملا عبدالرزاق منعکس کرد و ما هم اشاره کردیم [در درس منازل السائرین]

حوزه‌های وادی عمل در شریعت

کار دیگری که هست: عمل به طور مطلق با همه حوزه‌هایی که الان توضیح دادم، در شریعت آمده است، اینها را چه کسی باید عهده‌دار شود و بحث کند؟ منازل و مقامات در شریعت به چه شکلی است؟ اخلاق عرفانی در شریعت به چه شکل است؟ در خود شریعت درباره تربیت عرفانی که ما مد نظرمان هست، چه توضیحی وجود دارد؟ خیلی از حوزه‌های وادی عمل هست که شریعت درباره آنها خیلی حرف زده است. من فکر می‌کنم حرف اصلی شریعت این است: ایمان و عمل صالح؛ و برای همه‌اش هم حرف دارد، با خرده ریزها، نه اینکه فقط دو کلمه گفته باشد. اینهمه شریعت گفته و اینهمه روی زمین مانده! حتی آن مقداری که در عرفان عملی هست را ما در شریعت نشوراندیم. الان نمی‌خواهم وارد بشوم، بسیاری از اسرار را که حکما و عرفای ما گفته‌اند، همه را از شریعت فهمیده‌اند. اما کسی نیست که عهده‌دار این مباحث بشود و آنها را حل کند؛ به صورت حل جدی و مجتهدانه. این بحث‌ها را هم ما باید بحث کنیم. مثلاً آیا قلب در قرآن نباید بحث بشود؟ قرآن چه تلقی‌ای از انسان دارد؟ مثلاً برخی می‌گویند قلب در قرآن همین نفس ناطقه فلسفی است که حکما می‌گویند و حتی گاه گفته‌اند هر چه که عنوان قلب داده شده، همان ادراک عقلی است و به مجاز و تسامح قلب گفته شده است. اما آیا قلب قرآنی که تقریباً محور تمام بحث‌های قرآنی درباره انسان است، همین است؟ آیا

نباید این بحث را یک بار خوب حل کرد که عمقش درست بشود؟ به نحوی که قلب بشود گنه‌گار، و قلب مریض و قلب سلیم و ... انواع بحث‌هایی که در باب قلب در شریعت آمده و بسیار هم هست. یک جایی باید این بحث‌ها را انجام دهیم و حل کنیم. کدام حیطة از حیطة‌هایی که الان ما می‌شناسیم متکفل این‌گونه از بحث‌هاست؟ البته عمدتاً عرفا این بحث‌ها را انجام داده‌اند. مثل رساله *مقامات القلوب* ابوالحسن نوری اصلاً در همین زمینه است: صدر و فؤاد و قلب و ... را بحث کرده است. اینها اصلاً تفسیر شریعت است و ادبیاتش هم اصلاً همان ادبیات شریعت است و همان‌ها را استفاده کرده‌اند. آن قلبی که فی الصدور است و کور است [فإنها لا تعمى الأبصار] و لكن تعمى القلوب التي في الصدور (حج، ۴۶)] در شریعت آمده: قلب با صدر چه فرقی دارد؟ اینگونه بحث‌ها را که در شریعت بسیار است، چه کسی باید انجام دهد؟ در مورد عمل صالح، صلاح عمل چیست؟ اگر ما بخواهیم مجتهد بشویم و بوبکشیم و بگوییم فلان عمل صالح است و فلان عمل طالح، چه باید بکنیم؟ علامه طباطبایی در *المیزان* بحثی دارد که صالح چیست و بر اساس شواهدی از آیات، معیارهایی را معرفی می‌کند. دیگران هم باید این کار را انجام بدهند و مباحث را مجتهدانه بررسی کنند. کسی هست که روی این بحث‌ها کار کرده باشد و ما رویش سرمایه‌گذاری کنیم و بشود یک کار درس اصلی؟

همه اینها عرفان در وادی عمل است؛ زیرا همه اینها در عرفان آمده، مقارنه‌اش در شریعت هست، باید به معنای جدی تقییم اجتهادی بشود، موارد متعارض بدوی، جمع سالم بشود نه جمع من درآوردی! گاه جمع‌های ما در متون دینی خیلی بی‌ربط است. در مورد کار فقهی، ما در مورد جمع‌ها احساس وزانت می‌کنیم. این جرح و تعدیل‌ها را در لابلائی کتاب‌ها انجام داده‌اند، اما هنوز یک رشته و فن نشده است. باید شورانده بشود، بیاوریم، کار کنیم، فکر کنیم، تأمل کنیم، نتیجه بگیریم، جلو ببریم.

مثلاً نفس اماره شریعت، اگر کسی خوب کار کند می‌بیند که چقدر اسرار درش هست! یک کلمه از بحث نفس اماره نیست که شریعت نگفته باشد. و جالب این است که همه اینها را عرفا بحث کرده‌اند و برای هر بحث هم آیه‌ای آورده‌اند.

شحّ نفس چیست؟ آیا طرح جدی درباره‌اش نباید داشت؟ در جریان هابیل و قابیل که دارد «طوّعت له نفسه قتل اخیه (مائده، ۳۰)»، این «نفسه» چیست؟ آیا نباید روی این مسائل تأمل جدی بشود و کار بشود؟ بحث نفس اماره را اگر کسی بخواهد جدی کار کند و خوب بایستد، بیش از ۱۰۰ جلسه می‌شود ایستاد و بحث

کرد. همه هم در شریعت هست و اسرارش گفته شده است. شریعت گفته که «اعدی عدوک نفسک التی بین جنبیک». چرا بین جنبیک؟ کسی باید باشد که اینها را مجتهدانه حل بکند. اینجور بحث‌ها الی ما شاء الله هست.

در مورد گناه، آیا هیچ تحلیل فنی از گناه داریم؟ این نکته را هم بگوییم که در این عصری که خیلی‌ها درس خوانده‌اند، صرف اینکه بگویید آتش دارد، برایشان کافی نیست. نه اینکه بحث تعبد داشتن یا نداشتن باشد، برایش تحلیل عمیق بکن، خیلی خوب همراهی می‌کند. تحلیل عمیق از خود شریعت، لازم نیست از جای دیگری استفاده کنی. باید این کارها بشود. اینقدر این کارها زیاد است که اصلاً توجهی به آنها نشده است.

در مورد دستورالعمل: اصلاً خود قرآن دستورالعمل داده است و در قرآن وجود دارد. آنقدر بحث به عنوان دستورالعمل و تحلیل‌های عمیق هست در شریعت. اگر بخواهید تحلیل‌های عمیق بشنوید، بهترین تحلیل‌ها در باب وادی عمل در شریعت آمده است؛ زیرا شریعت زبان خداست و خدا وقتی تحلیل می‌کند، رگ و ریشه را به آن متن درستش تحلیل کرده است. باید همه اینها کار بشود.

اسرار عبادات

از جمله وادی‌هایی که باید در آن بحث جدی کرد، اسرار عبادات است. عرفا در این زمینه خیلی کار کرده‌اند. عرفان در وادی عمل شامل اسرار عبادات هم هست. در اسرار عبادات خیلی حرف هست. برخی معتقدند که اگر بتوانید اسرار نماز را برای کسی حل کنید و او بتواند مقداری از آن را عمل کند، زندگی او را آباد کرده‌اید. الان اگر از طلبه بپرسید که روح عبادت حج با روح عبادت روزه با روح عبادت نماز چه فرقی دارد [چه پاسخ می‌دهد]؟ به گونه‌ای روح را بگویید که تمامی احکامی را که ذیل آن عبادت می‌آید، بتواند تأمین کند. برخی روح روزه را عبادت سلبی می‌دانند و بعد به سرعت می‌گویند این سطح اول روزه است و این سطح دوم آن و این سطح سوم آن. ما می‌گوییم عجب حرف خوبی زده است، از کجا گفته است! اما بعد می‌بینیم همین‌ها را شریعت گفته و ما اصلاً خبر نداشته‌ایم و به این شکل نگاه نکرده بودیم. بعضی‌ها می‌گویند روح حج، عبادت حرکتی است، حرکت به سمت خدا. خیلی از چیزهایی که در حج آمده را می‌توان با همین معنا کرد، از نوع حرکتش و احرامش و تلبیه و مراحل گوناگون حرکت حج و طواف دور کعبه و ... برخی طبق همین، دستور هم می‌دهند به حاجی: داری به سوی خدا می‌روی و بعد مراحل را می‌گویند: حج اول این است و دوم این و سوم این. الحمدلله عرفا خیلی در این زمینه کار کرده‌اند و برای خود ضوابطی دارد و اینکه چگونه با شریعت تطبیق می‌کند، ضوابطی دارد. اینکه چگونه می‌شود از شریعت اسرار عبادات را فهمید، ضوابطی دارد.

اما به این سبک چه کسی کار کرده است؟ لذا حوزه‌های فراوانی هست که باید کار کرد و عنوان عرفان در وادی عمل همه اینها را شامل است و همه اینها را می‌شود بررسی کرد.

آداب عرفا

دسته‌ای از بحث‌ها هم آداب عرفا است. عرفا آداب خاصی دارند، برخی از کارها را انجام می‌دهند و برخی را انجام نمی‌دهند. باید تقییم شود. مثلاً برخی از عرفا عادتشان این است که اگر مرغی را در خانه دارند و پرورشش داده‌اند، آن را اصلاً نمی‌کشند و می‌گذارند خودش بمیرد. ما از اساتید شنیده‌ایم که علامه طباطبایی مرغ در خانه داشت، علامه کاری به آنها نداشت و پیر می‌شدند و می‌مردند. این نکته در روایات در باب اهل بیت هم آمده است. البته این دستور عمومی شرع نیست.

این آداب باید بررسی شود. کجاست؟ چه ساحتی این آداب پیش می‌آید؟ در چه موطنی باید این‌گونه بود در چه موطنی خیر. چرا اینگونه عمل می‌کنند؟ ما در مورد عنکبوت در شریعت داریم. اما در مورد برخی از عرفا وضعیتی پیش می‌آید که عنکبوت را نمی‌تواند بکشد.

مثلاً عرفا سفره که می‌گذارند، چگونه عمل می‌کنند؟ و ... کارهایی که میان همه عرفا هست و کارهایی که در بین برخی هست.

تحلیل و توجیه شرعی و سلوکی این کارها که عرفا برای خودشان دارند چیست؟ اینها باید بررسی بشود.

لذا با این توضیحاتی که بیان شد، عرفان در وادی عمل خیلی گسترده شد و همه اینها را باید بدان پرداخت. لذا در این بحث ما محدودیت‌های منازل السائرین را نداریم و به همه می‌پردازیم.

شیوه کار در این جلسات

یک راه این است که از اول به صورت دسته‌بندی شده و منظم شروع کنیم و از اول ساختار بدهیم. این کار احتیاج به فرصت فراوانی دارد که بنده ندارم هر چند اندیشه‌هایی در ذهن دارم، لذا از این توقع گذشتم.

ولی حال که به آن شکل نمی‌شود، به صورت پراکنده که می‌شود انجام داد! اندکی را که می‌شود انجام داد! ما پراکنده بحث می‌کنیم و گاهی هم منظم بحث می‌کنیم، مثلاً بحثی را که شروع کردیم، مدتی را رویش مکث

می‌کنیم (مثلاً بحث قلب را که شروع کردیم، چهارماه رویش می‌ایستیم). اما توقع نباشد که کار منظمی را انجام دهیم.

کاری را انجام می‌دهیم و هر جا که چیزی پیدا شد، کم کم اینها را بعدها تبدیل به اندیشه‌ای منظم می‌کنیم.

از طرفی از آثار و کارهای عرفا هم استفاده می‌کنیم. تلاشمان هم این است که بعضی از کتاب‌ها مانند رساله‌الولایه علامه را بگیریم، نکته‌هایی اصلی از آنها را که باید بررسی کنیم، خود اثر را می‌آوریم، نه اینکه همه‌اش را بخوانیم. یا مثل رساله لب اللباب. یا نور علی نور استاد حسن‌زاده آملی. یا بحرالمعارف را یک دور بررسی می‌کنیم. یا قوت القلوب را. به صورت گزیده‌ای از این آثار را بررسی می‌کنیم.

گاهی هم یک نکته‌ای را یک عارف گفته، همان را هم می‌گیریم و بررسی می‌کنیم. لذا برای منابع هم منع و محدوده‌ای نداریم. از هر جا و هر کسی که بتوانیم استفاده می‌کنیم: از شریعت، از مباحث عرفا و ...

نکته دیگری که باید اشاره شود، این است که ما بعضی از کارها بود که نتوانستیم بدان‌ها خوب پردازیم [در دروس منازل]. مثل بحث عشق که عرفا دارند و مفصل رساله‌هایی نوشته‌اند و از بحث‌های اساسی است در عرفان عملی هم به کار می‌رود اما ما در منازل وقتی به بحث عشق رسیدیم، به اندازه‌ای که فقط آن را درست کنیم پرداختیم اما در اینجا دستمان باز است. موضوعاتی از این دست مثل ریاضت، رهبانیت و ... از همه این بحثها استفاده می‌کنیم.

من چیزهایی دیگر هم نوشته‌ام که می‌گذرم.

چگونگی پدید آمدن آثار و نکات در وادی عمل در کار عرفا

اما یک نکته درباره این آثار و این نکته‌ها در کار عرفا چگونه پدید آمده است؟ چند چیز سبب شده است. آثار مکتوب عرفا عمدتاً اینگونه است:

القائات ملکی و ربانی

یک دسته‌اش به القائات ملکی و ربانی به آنها بر می‌گردد. بنده برای این القائات ارزش شدید قائلم. چگونه است؟ کار خیری انجام می‌دهد و در مسیر خیر است، خدا هم با ملک مدد می‌دهد و چیزی را به او القا می‌کند.

اینکه ملک القا کرده، درست مثل این است که شریعت القا کرده است. البته لزوم تقییم در جای خود پابرجا است، اما در القائات خیلی نکته‌ها هست. اصلاً هیچ‌گاه در اندیشه‌اش فلان مسئله نبود [و بعد داده شد]. مثلاً آدم خوبی بود، در معامله رفت، به او القا شد که معامله را همیشه شیرین تمام کن. خود این خیلی ارزشمند است. این راه است، دستورالعمل است. در شریعت هم چیزهایی وجود دارد و دستوراتی آمده که معامله را شیرین تمام کن و او نمی‌دانست.

برای عرفا القائات ربانی و ملکی خیلی زیاد است و اینها تبدیل شده به اندیشه، قلم، بیان و ... لذا برای ما ارزش دارد و به گمان بنده چشم و گوش را باز می‌کند. برخی را من دیده‌ام که چشمه جوشان این‌گونه القائات هستند، دم‌به‌دم برایشان می‌آید. آیه می‌خوانند می‌آید، کار عملی می‌کند می‌آید، در عبادت می‌آید و ...

تأملات در متون دینی

دیگری: یکی‌اش هم تأملات در متن دینی، عرفا را به این نوع مسائل کشانده است که غالباً هم ادبیاتی یکسان با متن دینی پیدا کرده است و عین ادبیات متن دینی را هم به کار می‌برند.

تجارب سلوکی و عملی

سومی هم تجارب سلوکی و عملی است، یعنی مکرر تجربه کرده‌اند و یافته‌اند.

اینها مجموعه چیزهایی است که عرفا انجام می‌دهند ولی با یک معیار: «الذین جاهدوا فینا لنهیدینهم سبلنا».

چون اینگونه است، میراث عظیمی پدید آمده که بسیاری از اسرار شریعت را پوشش می‌دهد.

ما از همه اینها می‌خواهیم استفاده کنیم و بررسی کنیم.

از جلسه بعد ان شاءالله کار را با رساله الولایه آغاز می‌کنیم.

والسلام علیکم ورحمة الله.

پایان جلسه اول عرفان در وادی عمل